

## شهید جهانگیر عابدی فرد



سازمان جامع سرداران و دوازدهمین استان بوئسهر

نام پدر	علی گرگ
تاریخ تولد	۱۳۵۴/۰۶/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۷۹/۰۴/۱۰
محل شهادت	قنب بزرگ
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	-
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	سعد آباد

## زندگینامه

زندگینامه شهید

زندگینامه شهید جهانگیر عابدی فر

در سحرگاه روز ۱۴/۶/۵۴ در روستای دور افتاده از شهرستان دشتستان به نام آل یوسفی نوزدای پا به عرصه وجود گذاشت که روزگاری نام و آوازه آن فراتر از خاک بلکه به آسمان خواهد کشید فردی که ملائک غبطه مشق و شور او را می خوردند و در برابرش با افتخار سر به سجده می شکر می گذارند پدرش علی گرگ نام او را جهانگیر می گذارد گرچه خانواده از لحاظ اقتصادی در وضعیت خوبی نبودند ولی صفا و صمیمیت و همدلی در کنار معنویت و عشق و ایمان جای خالی همه چیز را پر کرده است جهانگیر دوران کودکی را در دامان پدر و مادری مهربان و با اخلاص و متدین سپری می کند و سپس در سن شش سالگی در دبستان شهید نواب آلیوسفی وارد مدرسه می گردد و تا کلاس چهارم ابتدایی را در آنجا و پس از آن کلاس پنجم را در دبستان تربیت برآزجان به پایان می رساند از آنجا که مشکلات فقر مالی و هزینه بالای زندگی بر دوش پدر سنگینی می کند به ناچار به روستا محل تولد خود مراجعت و در کنار پدر به کار کشاورزی می پردازد اما عشق او به ادامه تحصیل باعث می شود که در مدرسه راهنمایی مدرس نظر آقا ثبت نام نماید و در کنار کار و فعالیت کارگری به ادامه تحصیل هم پردازد ایشان با موفقیت دوره ی راهنمایی را در آنجا می گذارند و در همین اثنا به خدمت مقدس سربازی اعزام می شود از آنجا که عشق به میهن و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در وجود او نمایان بود خدمت سربازی را در صعب العبورترین منطقه کردستان که چندین بار مورد حمله و هجوم و محاصره کردهای ضدانقلاب و اشرار وابسته قرار گرفته که منجر به شهادت و زخمی شدن تعدادی از همرزمانش می شود به پایان می رساند و پس از اتمام سربازی در طرحهای در دست اجرا کشور توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بندر عباس به کار مشغول می شود و از آنجا که (الاناس یولد الا الفطره) می باشد و تربیت صحیح اسلامی و تجربه دوران انقلاب از ایشان فردی مومن، با اخلاق، مقاوم، ایثارگر و دوست داشتنی ساخته بود و همین سیره و روش خوب او باعث شد که پس از اتمام هر طرح در جای دیگر به کار گرفته شود لذا نامبرده که مدتها قبل یکی از بسیطگان نزدیک خود را به عقد رسمی در آورده بود و قصد عروسی داشت اما هر زمان مشکلی پیش می آمد و این کار به زمانی دیگر موکول می گردید تا اینکه چند روز قبل از شهادتش مقدمات و تدارکات لازم برای عروسی وی دیده شد و وقتی که تاریخ مراسم تعیین گردید متأسفانه سرنوشت چیز دیگری را رقم زد و در آخرین محل کار ایشان که تنب بزرگ از جزایر سه گانه جمهوری اسلامی ایران بود به دنبال ادعای کشور امارت مبنی بر مالکیت برای جزایر، لازم بود که نظام جمهوری اسلامی برای حفظ تمامیت ارضی و آب و خاک این قطعه از میهن اسلامی اقدام به تأسیسات و استحکاماتی بنماید، و این شهید عزیز در هنگام ساخت استحکامات جهت مقاوم نمودن این جزایر در هنگام حملات احتمالی دشمنان سرانجام در تاریخ ۱۰/۴/۷۹ به علت برق گرفتگی به درجه رفیع شهادت نائل آمد و سپس مقدمات انتقال پیکر ایشان با همکاری فرمانده مهندسی نیروی دریایی سپاه برآزجان به زادگاهش فرهم و در محل گلزار شهدای منطقه بنام آقا میر هداف و در جوار سایر شهدای شهر سعدآباد به خاک سپرده شد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد



سامانہ جامع سرداران و دوہزار ششمیہ استان بوٹھر